

Autumn and Winter 2024, 1 (2), 108-121.

Investigating the issue of settlement of Bakhtiari nomads in the era of Reza Shah

Omid Salahshouri¹ 

1. Corresponding Author, Master of History of Islamic Iran, University of Payame Noor, Isfahan, IRAN. E-mail: omidsalahshour89@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article history: Received: 6 August 2024 Accepted: 21 October 2024 Published online: 3 February 2025 Keywords: II Bakhtiari, Settlement of Nomads, Khanin, Central Government, Reza Shah.	With the beginning of the 14th century, the settlement of tribes and nomads, including the Bakhtiari tribe, was placed on the agenda of the central government. This became one of the important measures of the government under the leadership of Prime Minister Reza Khan. Although the nomads showed resistance to the actions of government officials, the final victory was with them, because the government succeeded in settling the nomads in one place by any means. This research, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question: how did the government and motives of the central government in settling the Bakhtiari nomads and the reasons of the Bakhtiari to settle? The research findings show that the central government had various motives for this action. From tribal evils to insecurity for the country, these had become concerns for the capital residents. For this reason, the government decided to transform the nomads from a house to a place to settle. Although the settlement of Bakhtiari took place from 1310 until the end of Reza Shah's reign, the peak of this action occurred between 1312 and 1316. For this purpose, the government wrote a nomadic settlement regulation and allocated development funds for it, and even Bakhtiari khans such as Morteza Qoli Khan Samsam, along with government officials, made great efforts to settle the Bakhtiari nomads. Khan Bakhtiari was able to settle a large number of nomads in Sardsir in 1313 and in Garmsir Bakhtiari in 1315. Samsam transferred about four thousand people to different parts of Khuzestan and, while building houses, provided them with agricultural conditions.

Cite this article: Salahshouri, Omid, Initial. (2024). Investigating the issue of settlement of Bakhtiari nomads in the era of Reza Shah. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (2), 108-121.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2045849.1020>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ۱۰۸-۱۲۱.

بررسی مسئله اسکان عشایر بختیاری در عصر رضاشاه

امید سلحشوری^۱ ✉

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران. رایانامه: omidsalahshour89@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	با آغاز سده چهاردهم خورشیدی، اسکان ایلات و عشایر از جمله ایل بختیاری در دستور کار دولت مرکزی قرار گرفت. این امر با رئیس الوزرای رضاخان، به یکی از اقدامات مهم دولت تبدیل شد. اگرچه عشایر مقاومت هایی در مقابل عمل مأمورین دولتی از خود نشان دهند، ولی سرانجام پیروزی نهایی با آنان بود؛ زیرا دولت به هر شیوه ای موفق شد عشایر را یکجانشین کند. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است: «اهداف و انگیزه های دولت مرکزی از اسکان عشایر بختیاری و واکنش بختیاری ها در قبال این اقدام چه بود؟». یافته های پژوهش نشان می دهد که دولت مرکزی، انگیزه های مختلفی از این اقدام داشت. از شرارت های ایل گرفته تا ناامنی برای کشور، تبدیل به دغدغه های پایتخت نشینان شده بود. به همین دلیل، دولت تصمیم گرفت عشایر را از خانه به دوشی به یکجانشینی مبدل کند. اسکان بختیاری اگرچه از سال ۱۳۱۰ تا پایان حکومت رضاشاه انجام گرفت، ولی اوج این اقدام در طی سال های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۶ رخ داد. دولت برای این کار، نظامنامه اسکان عشایر را نگاشت و برای آن اعتبارات عمرانی در نظر گرفت و حتی خوانین بختیاری مانند مرتضی قلی خان صمصام در کنار مأمورین دولت برای یکجانشین کردن عشایر بختیاری کوشش فراوانی نمود. خان بختیاری توانست تعداد زیادی از عشایر را در سال ۱۳۱۳ در سردسیر و در سال ۱۳۱۵ در گرمسیر بختیاری اسکان دهد. صمصام حدود چهار هزار نفر را به نقاط مختلف ایل بختیاری، اسکان عشایر، خوانین، دولت مرکزی، رضاشاه.

استناد: سلحشوری، امید (۱۴۰۳). بررسی مسئله اسکان عشایر بختیاری در عصر رضاشاه. پژوهش های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۲)، ۱۰۸-۱۲۱.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

DOI: <http://10.22034/nrihs.2025.2045849.1020>

۱. مقدمه

یکی از ایلاتی که با آغاز سده چهاردهم خورشیدی، توسط دولت مرکزی یکجانشین شد، ایل بختیاری بود. بختیاری‌ها که سالیان درازی زندگی کوچ‌نشینی داشتند، در قرن جدید به طور ناخواسته زندگی جدیدی آغاز کردند. در این راستا، دولت مرکزی برای متمرکز ساختن قدرت در پایتخت، مأمورین خود را برای یکجانشین کردن آنان فرستاد. مأمورین دولتی برای عملی ساختن اهداف دولت روانه مناطق بختیاری شدند. آنان در این راه با دشواری‌های زیادی از طرف برخی خوانین و عشایر روبرو شدند.

سوال اصلی مقاله آن است که اهداف و انگیزه‌های دولت مرکزی از اسکان عشایر بختیاری و واکنش بختیاری‌ها در قبال این اقدام چه بود؟ این پژوهش با بررسی اسناد و مدارک موجود به اسکان عشایر بختیاری در دوره رضاشاه پرداخته است. برخی از مقالاتی که در این مورد انجام شده است را می‌توان به کتاب‌هایی همچون حکومت، سیاست و عشایر تألیف کیاوند (۱۳۶۸)، سیاست عشایری دولت پهلوی اول نگارش واعظ شهرستانی (۱۳۸۸) و قیام عشایر جنوب اثر سیاهپور (۱۳۸۸)، اشاره کرد. همچنین، می‌توان از مقالة پوربختیار تحت عنوان «رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری» (۱۳۸۷) نام برد. در این آثار تألیفی، برخی از ابعاد موضوع به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین دلیل نویسنده در این مقاله تلاش کرده با چهارده سند دولتی به این موضوع بپردازد تا زوایای پنهان آن آشکار گردد.

۲. سیاست اسکان عشایر

سیاست اسکان ایلات و عشایر در ده سال آخر حکومت رضاشاه مورد توجه دولت بود. این برنامه نشانگر تحولی در جهان پس از انقلاب صنعتی بود. در پی این اقدام، قرن بیستم را می‌توان دوران افول زندگی کوچ‌نشینی در ایران تلقی

کرد. به نظر می‌رسد با صنعتی‌شدن جوامع، این تغییر و تحول اجتناب‌ناپذیر شده بود (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۳۱۱-۳۱۲). یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی بختیاری‌ها، زندگی عشایری آنان بود. برای نمونه، لردگان از زمانی در مسیر انحطاط قرار گرفت که زندگی ایلی در آن‌جا بر زندگی یکجانشینی غلبه کرد. عشایر نه تنها خودشان درگیر رنج و سختی می‌شدند، بلکه برای یکجانشینان دردسر و ناامنی ایجاد می‌کردند؛ به نحوی که بیشتر محصولات کشاورزی، پایمال سم ستوران عشایر می‌شد (طهماسبی کهپانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

دولت مرکزی در مقابل سیاست اسکان ایلات و عشایر چند هدف مهم را دنبال می‌کرد. امنیت راه‌ها از طریق کنترل ایلات اسکان یافته یکی از این اهداف بود. از دیگر اهداف سیاست اسکان، مدرن‌کردن ایلات و عشایر بود. از نظر سیاست‌گذاران برنامه اسکان عشایر، منفعت اقتصادی این اقدام، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت بود. به نظر آن‌ها اگر شیوه معاش عشایر از دامداری به کشاورزی تغییر می‌کرد، دولت علاوه بر اینکه در مدرن‌شدن ایلات با ملزم کردن آنان به درختکاری و محصولات زراعی هماهنگ توفیق می‌یافت، به سود تجاری نیز می‌رسید. دولت همچنین با هدف تحقق یکپارچگی ملی درصدد آن بود که ایلات کوچ رو و مرکزگرایز را در بدنه ملی ادغام کند. یکی دیگر از انگیزه‌های دولت از اسکان، وصول راحت‌تر مالیات بود. در صورت اسکان عشایر، آن‌ها در دسترس مأموران مالیات قرار می‌گرفتند و امکان طفره رفتن از زیر بار مالیات را پیدا نمی‌کردند (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۳۱۲-۳۱۵).

گسترش برنامه‌های زیربنایی دولت، ایجاد ارتباط با مردم تخته‌قاپو شده را به دنبال داشت. نفوذ روانی ویژگی‌های شهری و یکجانشینی، تجددطلبی و استقبال از اجناس تجملی، وجود مدارس و ادارات دولتی از علل یکجانشینی یا

ترغیب به آن بود. البته تسلط بر نقاط و مناطق سبز و خرم بختیاری پیوسته مورد نظر یکجانشین‌ها بود. اکتشاف نفت و استخراج آن در خوزستان در اسکان عشایر بی‌تأثیر نبود. به همین دلیل، مرکز اکتشاف نفت در لالی، به سال ۱۳۱۹ آب مورد نیاز خود را از کارون تأمین می‌کرد. بعد از پایان کار و عزیمت گروه‌های اکتشاف، حدود سه هزار خانوار از طوایف اُسیوند به دشت لالی روی آوردند (امان، ۱۳۶۷: ۱۶۱). اسکان ایلات، بزرگترین عامل سعادت جامعه بود. روزنامه حبل‌المتین در این مورد نوشته است: «اگر این مردم شهرنشین شده و معارف و صنعت و زراعت صحیحی حاصل کنند، فردا است که از شهری‌ها جلو افتاده و بدین وسیله برای مملکت، نجار و زارع و صنعتگران جوانی تهیه شده است» (حبل‌المتین، ش ۱۰، ۲۹ بهمن ۱۳۰۸: ۱۳). مستوفی از دولتمردان دوره قاجاریه بیان کرده است: «یکی از کارهای شایان تحسین مرحوم رضاشاه پهلوی اسکان [ایلات] است» (مستوفی، ۱۳۸۸: ۵۱۲/۳). البته در یک ارزیابی منصفانه می‌توان گفت، طرح اسکان عشایر طرحی بسیار سازنده و ضروری بود. حتی بعضی از خوانین دورانلش بختیاری مانند محمدتقی‌خان کنورسی (چهارلنگ)، حسین‌قلی‌خان ایلخانی و موسی‌خان عکاشه قبلاً گام‌هایی در این راستا برداشته بودند (طهماسبی‌کهیانی، ۱۳۹۵: ۱۶۲). سعی و تلاش محمدتقی‌خان کنورسی موجب شد تعدادی از طوایف، بیابان‌گردی را کنار بگذارند و در دشت‌های حاصلخیز رامهرمز تخته‌قاو شوند. اگرچه این اقدام خان از طرف مقامات ایرانی با مخالفت‌هایی همراه شد و نتیجه‌ای در بر نداشت، اما به تدریج چند روستا و دهکده در این مناطق ایجاد گردید. او همچنین در روستای فریدن، اراضی وسیعی را خریداری کرد و روستاهای متعددی را در آنجا بنیان گذاشت. محمدتقی‌خان کنورسی در دشت رامهرمز مزارع متعلق به حاکم شیراز را به مبلغ سه هزار تومان

در سال اجاره کرد و عده‌ای از بختیاری‌ها را در آنجا سکونت داد (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۴۸).

برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دولت برای ایلات و عشایر عبارت بودند از

۱- برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست متحدالشکل کردن لباس مردان و تغییر پوشش زنان ایلات و عشایر (سلبی). هدف دولت از کشاندن پای ایلات و عشایر به دایره سیاست متحدالشکل کردن لباس آن بود که در ظاهر، نشانه‌هایی از سنتی بودن و تعلق به گذشته زدوده شود. به همین دلیل، از لباس سنتی به عنوان «عادات سابق، زشت و مایه خجالت» یاد می‌شد. دولت از ایلات می‌خواست که در دوره علم و هنر، عادات زشت و موهوم پرستی را ترک کنند تا از قافله تمدن باز نمانند (حبل‌المتین، ش ۱۰، ۲۹ بهمن ۱۳۰۸: ۲۲). حتی احتسایان در سال ۱۳۰۶ نوشته است:

اگرچه در این سال‌ها تغییرات کلی در اوضاع زندگانی بختیاری‌ها آشکار شده، ولی هنوز توده رعایای آن به واسطه عدم مراوده و آمیزش با سایر اهالی ایران غالباً آن رسوم و زاگون‌های باستانی خویش را محفوظ داشته ... امروز در طرز لباس و لهجه و همچنین در عقاید و رسوم به اقوام قدیمی اصیل این سرزمین شبیه‌اند (قشون، ش ۸، ۱۵ مرداد ۱۳۰۶: ۲۹۹).

۲- برنامه‌ریزی برای آموزش یا تکمیل تحصیلات محصلان ایلی و عشیره‌ای (ایجابی). در برنامه‌ریزی دولت برای ایجاد مدارس عشایری به سال ۱۳۰۸ بختیاری‌ها هم مورد توجه قرار گرفتند. رضاشاه در این سال دستور ساختن چهار مدرسه در بختیاری را صادر کرد:

برحسب امری که از طرف اعلیحضرت همایونی از ناصری راجع به تأسیس چهار باب مدرسه در بختیاری صادر و به آقای وزیر معارف ابلاغ گردیده است از طرف آقای وزیر معارف دستور داده شد که در بودجه سال ۱۳۰۹ اعتبار افتتاح چهار باب مدرسه مزبور را که در خاک بختیاری حسب‌الامر باید افتتاح شود پیش‌بینی و منظور دارند و مقدمات افتتاح مدارس مزبور نیز تهیه

گرفته و از اول سال ۱۳۰۹ مفتوح شود (روزنامه اطلاعات، شماره ۹۵۰، ۲۵ دی ۱۳۰۸: ۳).

حاکم اصفهان در سال ۱۳۱۱ نامه‌ای به تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه، در مورد تخته قاپو کردن ایل بختیاری و طرح‌هایی برای ساختمان‌های مسکونی جهت اسکان آن‌ها می‌نویسد (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۳۳۰). ایلخانی و ایل بیگی بختیاری به اکراه یا به اختیار در اجرای طرح اسکان عشایر مشارکت داشتند و خوانین تابع از جمله خوانین جانکی را موظف کردند، در این مورد با مأمورین دولتی همکاری کنند. لطفعلی خان امیرمفخم، آخرین ایلخانی بختیاری در دوره رضاشاه، در نامه‌ای به تاریخ ۱۰ مردادماه ۱۳۱۱ به نصرالله خان و محمدشفیع خان شاه‌رخی می‌نویسد: آقایان نصرالله خان و محمدشفیع خان نظر به اجرای امر تخت قاپو و وصول مالیات و انتظامات جانکی سردسیر که بسته به لیاقت و کفایت شما دو نفر است که به اندک مدت فیصله داده از عهده برآید. لذا به صدور این ورقه امور نایب الحکومه و رتق وفتق امورات جانکی را به شما واگذار می‌نمایم که با کمال درستی و صحت عمل خاتمه داده، باعث آسایش و رفاه حال افراد جانکی را فراهم سازید. چنانچه احدی از امر تخت قاپو و پرداخت مالیات پیروی ننمود یا مرتکب اقدام غیرقانونی شد با نهایت قدرت از او مؤاخذه نموده. جداً در اصلاح امورات سعی باشید و نیز وسایل آسایش عامه و رعایا را فریضه ذمه دانسته در اجرای مفاد این ورقه یک ذره غفلت نکنید که دچار مسئولیت خواهید بود. بر ذمه عموم کلاتر و رعایا و سایرین ابوابجمعی شما است مطیع حرف بوده در اجرای اوامر شما تغافل نورزند. لطفعلی، حکومت بختیاری (اسناد قبادخان شاه‌رخی).

ایرادی که معمولاً در مورد طرح تخته قاپو کردن عشایر وارد می‌کنند، اعمال زور و اجبار برای اسکان عشایری بود که سده‌ها به این شیوه زندگی، عادت کرده بودند. آن‌ها نمی‌توانستند بپذیرند که فاصله فرهنگی و اقتصادی آن‌ها با یکجانشینان به سرعت بیشتر می‌شود. بنابراین حاضر نبودند در روستاهایی که دولت برای اسکان آن‌ها در نظر گرفته بود،

سکونت یابند. مریت هاکس سیاح انگلیسی که در سال ۱۳۱۱ وارد بختیاری شد و شاهد اجرای این طرح بود اذعان کرده است:

بیشتر این جمع ربع میلیونی چادرنشین به خانه‌های کوچک و گرم‌نرم روستایی که دولت برای آن‌ها طرح‌ریزی می‌کند، بی‌علاقه‌اند. حتی به رغم وجود مزایایی از قبیل درمانگاه، دکتر و مدرسه در آن محل، آن‌ها آزادی و استقلال خویش را بیش از هر چیز دیگر دوست دارند... چادرنشینی به ناچار باید از بین برود، چون آزادی آن‌ها غالباً بدل به تمرد و استقلال آنان سبب سلب آزادی دیگران می‌شود (مریت هاکس، ۱۳۷۱: ۱۵۹).

دوره زمانی اجرای خشونت‌آمیز سیاست اسکان عشایر بختیاری از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۲ بوده است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۲۳۷) که سردار اسعد آن را لازم اما مشکل عنوان کرده است (سردار بهادر، ۱۳۷۲: ۲۵۶).

۳. نظام‌نامه تخت قاپوی ایلات

به موجب نظام‌نامه تخت قاپوی ایلات در سال ۱۳۱۲ که لازم بود نسخه‌ای از آن در دست مأمورین عمران مناطق ایلی مثل بختیاری باشد، مقررات ده ماده‌ای اسکان به قرار زیر تنظیم شده بود:

ماده اول: چادرنشینان ایران به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- آن‌هایی که در تمام مدت سال در چادر مقیم بوده که طبق ماده دوم ریش سفیدان و مشمولین آن‌ها باید الزام بدهند که در مدت زمان معینی با صرف دارایی خود در هر نقطه که مایل‌اند زمین خریداری و در آن اسکان یابند.

۲- آن‌هایی که نصف سال در زیر چادر هستند که باز رؤسا و ریش سفیدان آن‌ها باید در مراتع ملکی متصرفی خود به ترک چادرنشینی ملزم و به رعیتی مشغول شوند.

۳- ایلاتی که سه ماه از سال زیر چادر به سر می‌برند که پیرمردان و ریش سفیدان آن‌ها باید در نقاط

بیلاقی برای توقف سرپرستان احشام، خانه بیلاقی بنا کنند.

ماده دوم: معرفی یک عضو مجرب و فعال از سوی والی‌ها و حکام به وزارت داخله که این مأموریت‌ها را انجام دهد.

۱- اجرای تحقیق در مورد اقامت هر تیره و طایفه به خصوص در مورد کوچ روهای مطلق.

۲- انتخاب دوریش سفید مورد اعتماد طوایف و یک کدخدای مورد اطمینان برای اخذ التزام و تعهد در مورد مقررات.

۳- تهیه صورت احصائیه جامعی از هر تیره و طایفه و ایلات و حشم داران.

۴- اخذ التزام جداگانه از هر تیره و طایفه به امضای کدخدا و ضمانت ریش سفیدان بر اساس فرم ارسالی از سوی وزارت داخله.

۵- ارسال گزارش و ارسال دو مشخصه صورت احصا و ورقه التزام برای والی یا حکمران منطقه ایلی.

۶- شروع به ادامه کار در مورد تیره‌ها و طوایف دیگر.

ماده سوم: والی یا حاکم باید به محض دریافت گزارش مأمور اسکان آن را برای وزارت داخله بفرستد.

ماده چهارم: در صورت صرف هزینه برای اسکان به مأمور اعزامی که به انتخاب والی یا حکمران به وزارت داخله برای انجام مقررات اسکان معرفی شده بود فوق‌العاده تعلق خواهد گرفت.

ماده پنجم: صدور جواز حرکت احشام به بیلاق به سرپرست و چوپان هر ایل به وسیله والی‌ها و حکام در حوزه مسئولیت خود.

ماده ششم: انجام اقدامات لازم برای تفکیک اسکان یافته‌ها از غیر آن‌ها و صدور تصدیق برای اسکان یافته.

ماده هفتم: انجام تبادل نظر و مشورت از سوی وزارت و حکام مرزی با امراء لشکر درباره اجرای مقررات اسکان در مورد ایلات مرزی.

ماده هشتم: ولات و حکام به تعیین، تشخیص و اجازه وزارت داخله فقط در مورد ایلات و حشم داران حوزه مسئولیت مقررات اسکان را اجرا خواهند کرد.

ماده نهم: وزارت داخله برای تقطیش عملیات مأموریت اسکان در تمام نقاط مملکت، مفتشین مخصوص از مرکز اعزام خواهد نمود و مأمورین وظیفه شناس را مورد تقدیر و مأمورین خاطی را به شدیدترین طرز تعقیب خواهد کرد.

ماده دهم: همه مأمورین دولتی به خصوص رؤسا فرماندهان قشون و امنیه‌ها موظف به مساعدت با مأمور اسکان و مفتش اعزامی از مرکز هستند (ساکما، ۱۳۸۷/۹۱۶).

مرداد ماه سال ۱۳۱۲ هیئت وزیران به پیشنهاد وزارت کشور برای خرج و مخارج اعزام مأمورین به بختیاری برای اسکان ایلات، مبالغی را به تصویب رساندند. هیئت وزراء در جلسه چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۱۲ طبق پیشنهاد وزارت داخله تصویب نمودند که مبلغ هفت هزار و نهصد و چهل و هشت ریال خرج سفر و فوق‌العاده سه ماهه دو نفر مأمور وزارت داخله برای عمران، آبادی و تخته قاپوی ایلات بختیاری از محل اعتبار عمران پرداخت شود (ساکما، ۱۳۱۰/۵۴۸۹۴). به همین دلیل، ۱۷ روز بعد، مقررات اسکان عشایر به محمود خان غفاری مأمور عمران بختیاری ابلاغ گردید تا در راستای اسکان بختیاری‌ها مد نظر قرار گیرد و به طور دقیق اجرا شود (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۴۴). ۱۱ خرداد ماه ۱۳۱۳ دولت فروغی طبق پیشنهاد وزارت داخله تصویب نمود که مبلغ پنجاه هزار ریال اعتبارات عمرانی به منظور مخارج اعزام مأمورانی به بختیاری برای اسکان عشایر و مخارج بازرسان اعزامی برای بازرسی وضعیت اسکان بختیاری‌ها در اختیار وزارت داخله گذاشته شود (پوربختیار، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۵).

۴. اسکان در سردسیر

مرتضی قلی‌خان صمصام در تابستان ۱۳۱۳ در منطقه چغاخور علاوه بر امورات حکومتی بختیاری با کوشش فراوان، توانست ایل بختیاری را تخته قاپو کند (اخگر، ش ۹۷۱، ۱۲ شهریور ۱۳۱۳: ۴). در این میان، فهرست خانوارهای عشایر بختیاری از طوایف و تیره‌های مختلف که در روستاهای جدید ساکن شده بودند، مورد تأیید کدخدایان و ریش‌سفیدان هر طایفه و تیره و فهرست تعداد کل روستاها، خانوارها و جمعیت آنان، توسط نمایندگان وزارت داخله، وزارت مالیه و مرتضی قلی‌خان صمصام حاکم بختیاری و پسرش جهان‌شاه صمصام نماینده حاکم بختیاری، مورد تأیید قرار گرفت و به امضا رسید.



صورت جزء سکنه قریه بیدگل واقع در [شوراب و زرین] بیلاق بختیاری که از طایفه مالمولی ^۱ تش ^۲ آقا محمدعلی و در هذه السنه ^۳ (۱۳۱۳) اسکان گردیده به شرح ذیل است:					
ردیف	اسم	نام خانوادگی	نام پدر	طایفه	ملاحظات
۱	آقا محمود	۴-	آقا چراغعلی	-	-
۲	آقا ولی	مرادی	آقا عبدالکریم	-	-
۳	میرزا آقاخان	کوچکی	محمد میرزا	-	-
۴	آقا عبدالعلی	مرادی	آقا زهراب ^۵	-	-
۵	آقا دوستعلی	کوچکی	آقا غلامعلی	-	-
۶	صفی خان	آقاسی	آقا حسین خان	-	-
۷	بخشعلی	پهلوی ^۶	مشهدی عوضعلی	-	-
۸	محمد قاسم	پهلوی ^۷	مراد	-	-
۹	حسنقلی	پهلوی ^۸	محمد	-	-
۱۰	محمدولی	پهلوی ^۹	روزعلی	-	-
در تاریخ ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۳ اینجانبان امضاکنندگان ذیل ابنیه مسکونی قریه بیدگل را به شرح فوق بازدید و معاینه نموده و تصدیق می‌نمایند که اشخاص مفصله، ساختمان مسکونی برای خود بناء نموده‌اند. کد خدا و ریش سفیدان مالمونی ^{۱۰} بختیاری: حسین خان، عوده الله، علی محمد تاجمردی، امان الله، یاور.					
صورت جزء سکنه قریه جدیدالاحداث یاورآباد واقع در بیرگان بیلاق بختیاری که از طایفه مالمولی بختیاری در هذه السنه [۱۳۱۳] اسکان گردیده به شرح ذیل است:					
ردیف	اسم	نام خانوادگی	نام پدر	طایفه	ملاحظات
۱	محمد	ندارد	عبداله	مالمولی	-
۲	آقاخان	ندارد	علی	مالمولی	-
۳	صبدال	ندارد	عبداله	مالمولی	-
۴	شفیع	ندارد	دیندامل	مالمولی	-
۵	نامدار	ندارد	گودرز	مالمولی	-
۶	علی قلی	ندارد	علی تقی	مالمولی	-
۷	حبیه قلی ^{۱۱}	ندارد	مهدی قلی	مالمولی	-
۸	حسن خان	ندارد	حسن قلی	مالمولی	-
۹	غلامرضا	ندارد	خیرگرد	مالمولی	-
۱۰	الماس	ندارد	علی آقا	مالمولی	-

۱. مالمولی (ململی)

۲. به مجموعه چند اولاد گفته می‌شود.

۳. امسال

۴. سلطانی

۵. ظهراب

۶. سلحشوری (از تش بهلول)

۷. سلحشور (از تش بهلول)

۸. سلحشوری (از تش بهلول)

۹. سلحشوری (از تش بهلول)

۱۰. مالمولی

۱۱. حیات‌قلی

۱۱	عجم	ندارد	یاری جان	مالمولی	-
۱۲	کاظم	ندارد	خیرگرد	مالمولی	-
۱۳	نجف‌قلی	ندارد	حسن علی	مالمولی	-
۱۴	آقا یاور	ندارد ^۱	آقا زهراب ^۲	مالمولی	-
۱۵	ساری‌خان	ندارد	داراب	مالمولی	-
۱۶	رفیع	ندارد	خسرو	مالمولی	-
۱۷	مرداس	ندارد	محمدتقی	مالمولی	-

در تاریخ اول مهرماه ۱۳۱۳ اینجانبان امضاکنندگان ذیل ابنیه مسکونی قریه یاورآباد را به شرح فوق بازدید و معاینه نموده، تصدیق می‌نماییم که اشخاص مفصله، ساختمان مسکونی برای خود بناء نموده‌اند. کدخدا و ریش سفیدان طایفه مالمولی بختیاری: عوده‌الله، حسین‌خان، غلام‌رضا، امان‌الله، یاور (ساکما، ۲۴۰/۲۴۳۷۹).

در این میان، وزارت معارف تلاش کرد برای سال ۱۳۱۴ اقدام به تأسیس مدارس چهار کلاسه و دو کلاسه در نقاط لازم و ضروری بختیاری کند. از این رو، اداره معارف اصفهان هفت حوزه مهم در بختیاری را شناسایی کرد که پس از تصویب مقامات مربوطه، نسبت به جمعیت هر حوزه، مدرسی در آن نقاط برپا گردد (اخگر، ش ۹۹۸، ۲۲ آذر ۱۳۱۳؛ ۴؛ اطلاعات، ش ۲۳۶۹، ۲۸ آذر ۱۳۱۳: ۳).

۵. اسکان در گرمسیر

وزارت کشور در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۵ تلگرافی مبنی بر اسکان عشایر بختیاری به نخست وزیر فرستاد:

بر اثر وصول مراسله اداره کل فلاحات حاوی امر جهان مطاع مبارک در انتقال سه چهار هزار خانوار از ایلات گرمسیرات بختیاری به نقاط مختلف خوزستان دستور تلگرافی به حکومت بختیاری برای اجرای امر داده شده بود. جواب واصل، حاکی است که ایلات گرمسیری بختیاری برای خود ساختمان نموده و تخت قاپو شده‌اند و توضیح موضوع را به نظر آقای انصاری محول داشته مشارالیه هم انتقال افراد بختیاری را به استثناء پانصد خانوار از حسینوندها و آسترکی که نه در قشلاق و نه در ییلاق جا دارند مشکل دانسته و عقیده دارد که تمام آن‌ها تلف خواهند شد. با این حال، به حکومت بختیاری تلگراف شده که در انتقال پانصد خانوار حسینوند و آسترکی اقدام نموده و نسبت

به بقیه هم در اجرای امر منتها درجه مراقبت و جدیت را به عمل آورده نتیجه را اعلام دارد- از طرف وزیر داخله (ساکما، ۳۱۰/۴۳۶۴۵).

مرتضی‌قلی خان صمصام نتیجه اقدامات خود را ۷۴ روز بعد در روز ۲۷ تیرماه به نخست وزیر گزارش داد:

۱۱۸ زیارت پانصد خانوار بعد از زحمات فوق‌العاده از اشخاصی که ساختمان نموده و دارای ملک در حوزه بختیاری نبودند، تعیین، صورت آن تحویل نماینده فلاحات، نماینده اینجانب نیز جهت حرکت و کوچاندن اعزام شد. مستدعی است به طوری که نمره ۲۵۸-۱۵/۴/۷ به وزارت داخله عرض شده پنج نفر امنیه نزد اینجانب فرستاده شود که به اتفاق مأمورین حکومتی اقدامات لازم به عمل آید. در صورت نرسیدن امنیه وقفه به کار وارد و پیشرفت کامل نخواهد شد. راپورت معروض مبنی بر اینکه پانصد خانوار مزبور قاجاق هستند که در حدود مسجد سلیمان و شوشتر و شاخه ساکن می‌باشند، مورد تکذیب محل تحویل سبوس نماینده فلاحات در محل‌های مذکور است و تقریباً در حدود یکصد خانوار که از تخته قاپو فراری و زمستان در حدود خوزستان گردش می‌نمودند، موقعی که اینجانب ییلاق می‌آمدم به خاک بختیاری مراجعت می‌نمودند، آن‌ها جزء این عده می‌باشند. در قسمت اضافه از پانصد خانوار نظر به این که رعایای بختیاری در ییلاق و قشلاق و میانکوه در املاک شخصی خودشان ساختمان کرده‌اند، حرکت آن‌ها جزء با قوه مکفی نظامی صورت نخواهند گرفت. نظر به اینکه به میل و رضایت حرکت دادن آن‌ها به خوزستان میسر

نیست چنانچه اراده سنیۀ شاهانۀ برای کوچانیدن طوایف بختیاری تعلق گرفته باشد، مقتضی است امر و مقرر شود یک عده نظامی به قدر کفایت مرحمت شود تا اقدام بشود. خاتمۀ از چهارلنگ و جانکی گرمسیری و جانکی سردسیری و فلاردی و شاخه میرزا^۱ که اخیراً از حکومت بختیاری مجزا شده و تقریباً نصف بختیاری است، معادل پانصد خانوار اشخاص بدون ملک و علاقہ وجود دارند کہ ممکن است به رضایت به وسیلہ حکامشان به خوزستان منتقل شوند. نمبر ۱۵/۴/۳-۰۰۲۳ حکومت بختیاری، مریض قلم، (ساکما، ۱۳۶۵/۴۳۱۰).

صمصام کمتر از پنج ماه، در روز ۱۴ آذرماه، گزارشی مبنی بر انتقال عشایر بختیاری و اسکان آنها در خوزستان به وزارت کشور نوشته است:

چهار ماه است از انجام این خدمت غفلت نشده، بعد از این هم نخواهد شد. چندین نفر مأمور اعزام داشته، طبق اطلاع به تازگی یکصد خانوار دیگر مسجدها را تحویل داده، خود اینجانب زودتر از این خیال حرکت داشتم، بعضی پیش آمده که چند روز تأخیر انداخت. ۱۸ آذر حتماً حرکت [نموده] شخصاً ایذه رفته، نواقصی اگر باشد رفع خواهم نمود. مأمورین عیدیه فعلاً مشغول این کار، رسیدن خانوارهای فقیرتر به بیلاق و میانکوه را حرکت داده بین راه هستند، به زودی تحویل خواهند شد و انکهی چنانچه قبلاً هم عرض شد تحویل تمام خانوارها تا اسفند ماه تحویل خواهد شد. در انتخاب خانوار انتقالی هم طبق دستور تلگرافی نمرة ۷۳۸ آن وزارتخانه رفتار گردیده که اشخاص مزبور در محل خود بی کار نمانند در محل به کار زراعت بپردازند. گزارش اداره فلاحه چندان مقرون به صحت نیست. نظر به اینکه از سوء عملیات نماینده اداره مزبور به آن وزارتخانه گزارش داده بودم، خواسته اند در مقابل به این گزارشات طوری دیگر جلوه دهند. سی و هفت خانوار قریب دو ماه نماینده اینجانب مسجدها را معطل نماینده فلاحه برای تحویل گرفتن نیامده، بالاخره از بی تکلیف به محل خود عودت نموده، مجدداً مأمور رفته آن ها را بیاورد. خاتماً اهالی بختیاری فقر بی بضاعت از کار زراعت بی اطلاع فقط مختصر غله برای قوت عائله خود عمل می آورند. مقتضی است آن هایی که منتقل

به خوزستان شده‌اند و ادار و آشنا به فلاح نمود. نمره ۸۱۴-
۱۵/۹/۱۴ حکومت بختیاری، مرتضی قلی (ساکما،
۱۳۶۵/۳۱).

۶. اسکان عشایر چهارلنگ

اسناد دولتی حاکی از به جریان افتادن سیاست اسکان در مورد ایل چهارلنگ در سال ۱۳۱۳ دارد. در این سال، اداره احصائیه و سبجل احوال، گزارشی از ایل چهارلنگ و اطلاعاتی از وضعیت آن‌ها در سردشت و لیوس دزفول و چگونگی اسکان آنان به حکومت نظامی چهارلنگ داده است (ساکما، ۲۹۱/۳۶۷۲). ۱۲ اسفند ۱۳۱۴ مرتضی‌قلی - خان صمصام، حکومت بختیاری، در مورد محمدعلی‌خان مردانی به حکومت نظامی چهارلنگ نوشته است: «آقای محمدعلی مردانی [را] در امورات خود و کسانش معمول دارند که آسوده مشغول امور رعیتی بوده باشد. فعلاً هم اینجانب او را به معیت حضرات هفت لنگ برای دلالت و نصیحت نزد محمد جواد شجاعی فرستاده‌ام. حکومت بختیاری» (ساکما، ۲۹۱/۳۶۷۲).

در سال ۱۳۱۵ خانه و ساختمان برای چهارلنگ ساخته شد و کدخدای جدید دولتی آنان موظف گردید اطلاعاتی در مورد اغنام و احشام، طایفه، تیره و رئیس هر خانوار به مأموران آمارگیر اسکان ارائه دهد (ساکما، ۱۳۴۹/۲؛ ساکما، ۱۳۶۴/۲). برای نمونه یکی از کدخدایان چهارلنگ بختیاری در روز ۳ فروردین ۱۳۱۵ ورقه اسکان

ایلات را به این شرح نوشته است:

«امضا کنندگان ذیل:

نام	شهرت	نام پدر	سمت	تیره	طایفه
ملا خانبا	-	حیدرآقا	کدخدا	برون	محمودصالح چهارلنگ
فاضل	صالحی	شاهمراد	ریش سفید	برون	محمودصالح چهارلنگ

به موارد ذیل ملتزم و متعهد می‌شویم

۱- تعداد خانوارها، افراد، اغنام و احشام تیره خود را که

به طریق ذیل:

خانوار	گوسفند	شتر	مادیان	قاطر	الاغ	گاو
۶۶ نفر	۱۰۵۱ رأس	-	۱۷ رأس	-	۱۰۶ رأس	۲۱۷ رأس

صورت داده‌ایم موافق با واقع باشد.

در سال ۱۳۱۶ از مبلغ بیست و پنج هزار ریال اعتبار اسکان ایل چهارلنگ بختیاری در چنارود و سردشت، مبلغ پنج هزار ریال را برای هزینه ساختمان دو دبستان در آن‌جا تشخیص داد که به وسیله تأسیس دبستان‌ها که عامل مهم در تشویق ایلات خواهد بود، مقدمات نشر معارف در بین آن‌ها فراهم گردد (ساکما، ۳۱۰/۷۳۳۳۸). در همین سال، در جانکی سردسیر بختیاری علاوه بر پیشرفت اسکان ایلات، تصمیمات فوری برای کشاورزی آنان گرفته شد (اخگر، ش ۱۳۱۳، ۲۵ بهمن ۱۳۱۶: ۳). دولت در روز ۲۸ دی ۱۳۱۷ تصویب کرد که از مبلغ پانزده هزار ریال اعتبار مربوط به اصفهان، هزینه‌های اسکان ایل چهارلنگ در نقاط مختلف پرداخت شود (ساکما، ۲۴۰/۹۰۴۲).

۲- تمام افراد تیره برون دارای ورقه هویت بوده و از این تاریخ تا یک ماه دیگر مردان تیره عموماً به لباس متحدالشکل ملبس شوند.

۳- از تاریخ انشاء این التزام به مدت یک ماه ۳۰ روز خانه و گاو‌بندی و سایر وسایل رعیتی را فراهم نموده ترک چادرنشینی نماییم. در صورتی که برخلاف هر یک از تعهدات فوق رفتار شده یا کشف شود صورت‌هایی که داده‌ایم برخلاف واقع است محکوم بوده و مبلغ ۵۰۰۰ ریال از دارایی خود به صندوق دولت دادنی باشیم. مهر- انگشت یا امضاء کدخدا و ریش سفیدان» (ساکما، ۲۹۱/۲۱۸۳).

در سال ۱۳۱۶ برای تأسیس دبستان در جانکی از طرف اداره معارف تقاضای اعتبار شد. جالب آنکه در سال ۱۳۱۹ یکی از بختیاری‌ها به نام خواجه مهدی قلی خان باجول موگویی اقدام به تأسیس دبستانی در ایل چهارلنگ بختیاری کرد که اداره فرهنگ در تکمیل کار برای آن مدرسه اثاثیه فرستاد (ساکما، ۲۹۱/۳۴۰۳؛ ساکما، ۲۹۱/۲۹۵۵). دولت

وزیر کشور در روز ۲۸ فروردین ۱۳۱۸ در پاسخ به نامه فرمانداری گلپایگان نوشت که «امور اسکان طوایف ممیوند و زَلَقی که در حوزه بخش الیگودرز سکونت دارند، بر طبق مقررات به بخشداری آخوره محول گردیده است» (ساکما، ۲۹۱/۴۷۵). فرماندار چهارلنگ بختیاری در روز ۲۳ بهمن، سه برگه تصویر دهات نوساز سه دهستان سردشت، لیوس و مرکی را برای رئیس پاسگاه امنیه سردشت فرستاد و تأکید کرد که «مراقب باشید تا اگر در اثر بارندگی و عدم مواظبت رعایا، خانه های آن‌ها به تعمیر نیاز داشت، بازسازی کنند و رعایا ابداً از دهات مربوطه و خانه‌های خودشان بیرون نروند، ولی ستوران‌شان به همراه چوپانی برای علف خوردن به خارج از آبادی بروند» (ساکما، ۲۹۱/۲۲۱).

۷. بخشداران و دهداران نظامی

سرهنک شعری، کفیل فرماندهی لشکر ۱۳ اصفهان، در مورد وظایف بخشداران و دهداران نظامی و همچنین اهداف اسکان عشایر، بخشنامه یازده ماده‌ای را در روز ۴ خرداد ۱۳۱۹ صادر کرد. «ماده ۶ بخشنامه» به این شرح است:

موضوع مهمی که باید همیشه نصب‌العین بخشداران و دهداران قرار گیرد، عبارت از تخته‌قاچو نمودن صحرانوردان کشوری است و این مسئله باید طوری طرف توجه باشد که در آتیه نزدیک هیچ خانوار و نفری زیر چادر باقی نماند. با اعتبارات و دستورات مکفی که مستقیماً در این خصوص از طرف وزارت کشور و فرمانداری اصفهان صادر می‌شود، باید هرچه زودتر به این موضوع خاتمه داده شود تا در نتیجه هر نفر و خانواری به خانه و مرکز مخصوص علقه دانی پیدا کرده و در اثر این انس و علاقه کانون‌های متعددی برای زندگی مردم تشکیل و با تشریح و تحریک رؤسای هر خانوار که باید تماماً به امنیت زندگی خود امیدوار گردند، زراعت و کشاورزی بسط و توسعه یافته سرزمین کشور همه جا آباد و اهالی آن ثروتمند شده و بالتجیه روزبه‌روز به عظمت و ثروت کشور شاهنشاهی اضافه و افزود گردد. بدیهی است تا تمرکز این خانوارها در اماکن و نقاط مستعد منطقه بخشداران باید در مورد تشکیل و تأسیس دبستان‌ها و

بنگاه‌های لازم (مانند کشاورزی- پست و تلگراف و وسائط بارکشی- ایجاد خطوط مواصلاتی و غیره) اقدامات جدی معمول و بدین وسیله وسائل آسایش و شهری نمودن آن‌ها را فراهم کرده و در مورد متحدالشکل نمودن لباس آن‌ها نیز سعی کامل نمایند (ساکما، ۲۹۱/۳۵۸۴).

وزیر کشور در اسفندماه، به فرمانداری اهواز نوشته است: «بخشداری نظامی آخوره قسمتی از طوایف چهارلنگ را که در هفتادویک آبادی از دهات سردشت و لیوس خوزستان اسکان داده بود، به بخشداری کشوری تبدیل شده است. بنابراین، امور روستاها و طوایف به یکی از بخشداران تابعه در آن‌جا محول می‌شود» (ساکما، ۲۹۱/۳۵۸۴).

۸. اسامی روستاها و کدخدایان

فهرست برخی از آبادی‌های دهستان چنارود و میانکوه، پیشکوه و آبادی‌های اترکی که طوایف مُمزایی، محمود صالح و آسترکی هفت‌لنگ ساختمان نموده و ساکن شده‌اند و اسامی کدخدایان آن‌ها به این شرح است (ساکما، ۲۹۱/۳۵۸۴):

ردیف	طایفه	تیره	تعداد خانوار	آبادی ساکن شده	نام کدخدا	ملاحظات
۱	ممزایی	متفرقه	۱۶	میدانک بالا	لطفعلی ساعدی	ساختمان میدانک بالا از قدیم بوده
۲	ممزایی	هارونی	۲۷	میدانک پایین	خیرعلی هارونی رشیدی	ساختمان جدید
۳	ممزایی	گشول	۳۹	قلعه سرخ	محمدکریم	-
۴	ممزایی	ایسپره	۶۱	چشمه بندگان و مزرعه چشمه بندگان	بهرام	-
۵	ممزایی	خان بابا	۲۲	تهلگی پایین	چراغعلی	-
۶	ممزایی	آرپناهی	۳۲	دولت آباد و مزرعه دره گاو	علی نقی	-
۷	ممزایی	متفرقه	۱۴	باغ ناظر	عبداله ناظری	نصف از ساختمان قدیمی و نصف هم جدیداً ساختمان شده است.
۸	محمودصالح	برون	۱۱	درک آباد	حسن قلی	-
۹	محمودصالح	آل داود	۲۲	ونک و مزرعه مهدیقلی	محمد	-
۱۰	محمودصالح	قلی	۵۲	ورپاد	حسن قلی	ساختمان از قدیم بوده است.
۱۱	محمودصالح	عادگار ^۱	۵۳	هرمانک	خونیار صالحی	-
۱۲	محمودصالح	اورش	۲۶	دهباد بالا	عبدالکریم	-
۱۳	محمودصالح	اورش	۱۰	مزرعه عجم	عجم	ساختمان آن قدیمی است.
۱۴	محمودصالح	کافلی	۲۲	اصفهانک پایین	محمدطاهر رشیدی	-
۱۵	محمودصالح	کافلی	۲۱	اصفهانک بالا	بهمن	-
۱۶	محمودصالح	ممجلال الدین	۲۸	چشمه کوگانک	محمدباقر صالحی	-
۱۷	بهداروند هفت لنگ	منجری	۷	برد آسیاب	راه خدا رحیمی	در ده سال قبل ساختمان شده است.
۱۸	دورکی	آسترکی	۱۱	ده گه	نعمت فرزند حبیب الله	-
۱۹	دورکی	آسترکی	۱۲	خسرو بیگی	عبدشاه فرزند خداداد	-
۲۰	دورکی	آسترکی	۱۴	آب گرمه	حسن قلی فرزند پاپا	-

۹. نتیجه‌گیری

با گرفتن سهم خود از احیای مشروطه برای ایل بختیاری اقداماتی را انجام دادند. بیشتر بختیاری‌ها نه تنها موافق یکجانشینی نبودند، بلکه نمی‌توانستند سبک زندگی‌شان را رها کنند.

با روی کار آمدن رضاشاه، موضوع اسکان عشایر سرعت بخشید. هدف دولت مرکزی از این اقدام، تمرکز قدرت در پایتخت بود. با در نظر گرفتن اعتبارات عمرانی، مأمورین

برخی بختیاری‌ها کوچ‌نشین نبودند و تعدادی از آن‌ها یکجانشین و برخی نیمه یکجانشین بودند. به همین دلیل، با زندگی یکجانشینی آشنایی داشتند. در گذشته خوانین آنان مانند محمدتقی خان چهارلنگ و حسین قلی خان ایلخانی اقداماتی را در این زمینه انجام داده بودند. با پیروزی انقلاب مشروطه، تحولاتی در جامعه به وجود آمد و خوانین بختیاری

دولت برای پیش بردن اهداف پایتخت به مناطق بختیاری گسیل شدند. اگرچه در این راه برخی از سران و عشایر بختیاری سرسختی‌هایی از خود نشان دادند، ولی پیشرفت اصلی با نیروهای دولتی بود. آن‌ها خانوارهای انبوهی را یکجانشین کردند. دولت مرکزی برای ماندن افراد در این مناطق دست به اقدامات انگیزشی زد. دولت نه تنها زمین‌هایی را برای کشاورزی آنان ایجاد کرد، بلکه مدرسی برای بختیاری‌ها ساخت. این مدارس در مناطق سردسیر و گرمسیر بختیاری ساخته شد. در این امر مهم برخی از خوانین بختیاری نقش موثری داشتند. خواجه مهدی قلی خان باجول موگویی از خوانین چهارلنگ، دبستانی را در منطقه چهارلنگ ایجاد کرد.

کتابنامه

- روزنامه اطلاعات، ش ۲۳۶۹، ۲۸ آذر ۱۳۱۳.
- روزنامه اطلاعات، ش ۹۵۰، ۲۵ دی ۱۳۰۸.
- روزنامه حبل‌المتین، ش ۱۰، ۲۹ بهمن ۱۳۰۸.
- روزنامه قشون، ش ۸، ۱۵ مرداد ۱۳۰۶.
- سردار بهادر، جعفرقلی‌خان، خاطرات سردار اسعد بختیاری، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲.
- طهماسبی کهیانی، ساسان، لردگان در مسیر تاریخ، قم: آوای منجی، ۱۳۹۵، چاپ دوم.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، ج ۳، تهران: زوار، ۱۳۸۸، چاپ ششم.
- هاکس، اونرا آملیا، ایران: افسانه یا واقعیت، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد و محمدتقی اکبری و احمد نمایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱، چاپ دوم.
- واعظ شهرستانی، نفیسه، سیاست عشایری دولت پهلوی اول، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۸۸.

- اسناد خانواده قبادخان شاه‌رخ.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): سند شماره ۲۴۰/۹۰۴۲؛ سند شماره ۲۴۰/۲۴۳۷۹؛ سند شماره ۲۹۱/۲۲۱؛ سند شماره ۲۹۱/۴۷۵؛ سند شماره ۲۹۱/۹۱۶؛ سند شماره ۲۹۱/۲۱۸۳؛ سند شماره ۲۹۱/۲۹۵۵؛ سند شماره ۲۹۱/۳۴۰۳؛ سند شماره ۲۹۱/۳۴۹۱؛ سند شماره ۲۹۱/۳۵۸۴؛ سند شماره ۲۹۱/۳۶۴۰؛ سند شماره ۲۹۱/۳۶۷۲؛ سند شماره ۳۱۰/۴۳۶۴۵؛ سند شماره ۳۱۰/۵۴۸۹۴؛ سند شماره ۳۱۰/۷۳۳۳۸.

- امان، دیتر، بختیاری‌ها: عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه سید محسن محسنیان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر، کوچ‌نشینی در ایران، تهران: آگاه، ۱۳۷۴، چاپ چهارم.

- پوربختیار، غفار، «رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری»، فصلنامه مسکویه، دوره دوم، ش هشتم، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۵۶.

- راولینسون، هنری، سفرنامه، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: آگاه، ۱۳۶۲.

- روزنامه اخگر، ش ۱۳۱۳، ۲۵ بهمن ۱۳۱۶.

- روزنامه اخگر، ش ۹۷۱، ۱۲ شهریور، ۱۳۱۳.

- روزنامه اخگر، ش ۹۹۸، ۲۲ آذر ۱۳۱۳.